



مجموعه مقالات

فروردین ماه ۱۳۹۹

اندیشه‌های بزرگ‌ترین



لزوم نقش آفرینی ایران در مذاکرات صلح افغانستان



الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

اندیشکده راهبردی تبیین



مجموعه گزارش راهبردی



لزوم نقش آفرینی ایران در مذاکرات صلح افغانستان



وبگاه اندیشکده : [www.Tabyincenter.ir](http://www.Tabyincenter.ir)



نشانی : تهران، اقدسیه، خیابان شهید موحد دانش، خیابان نسترن، پلاک ۳۲، واحد ۱۱



کد پستی : ۱۹۵۷۶۶۴۷۳۱



تلفن : ۲۶۱۵۳۳۲۹



نمابر : ۸۹۷۷۱۹۶۴



## فهرست

۶	مقدمه
۶	اهمیت ثبات افغانستان برای ایران
۷	ظرفیت‌های نقش آفرینی ایران
۱۱	جمع‌بندی
۱۳	منابع



## مقدمه

آمریکا دو دهه پس از اشغال افغانستان، سرانجام به واقعیت‌های میدانی تمکین کرده و ظاهراً تصمیم بر خروج از این کشور گرفته است. توافق صلح طالبان و آمریکا از چهار بخش تشکیل شده است. بخش اول، تضمین طالبان به عدم اقدام هیچ گروهی علیه امنیت آمریکا و متحدانش در خاک افغانستان و بخش دوم، خروج کامل نیروهای نظامی بیگانه از افغانستان تقریباً مؤلفه‌هایی سنجش‌پذیر دارند و جزئیات نسبی و زمان‌بندی آن در متن توافق درج شده است. ولی بخش‌های سوم یعنی آغاز مذاکرات بین‌افغانی و چهارم یعنی اجماع مذاکره‌کنندگان بر چگونگی آتش‌بس دائمی و نقشه راه سیاسی آینده دولت افغانستان، نسبتاً مبهم باقی مانده‌اند. این مقاله به این می‌پردازد که با توجه به اهمیت صلح در افغانستان برای امنیت ملی ایران، چگونه می‌تواند در فاز مذاکرات بین‌افغانی به ایفای نقش بپردازد.

## اهمیت ثبات افغانستان برای ایران

دیرزمانی نیست که سرزمین افغانستان از ایران جدا شده است. اشتراک دینی اکثریت مسلمان و هم‌چنین اقلیت قابل توجه شیعی مذهب در کنار اشتراک گویش اغلب افغانستانی‌ها به زبان فارسی، مهم‌ترین مؤلفه‌های فرهنگی مشترک دو کشور است [۱]. علاوه بر آن حضور بیشترین میزان مهاجران افغانستانی در ایران، ترانزیت مواد مخدر از افغانستان، برخی اختلافات ارضی از جمله حق‌آبه رود هیرمند و سابقه تقویت گروه‌های اسلام‌گرا پس از اشغال شوروی و فعالیت برخی گروه‌های تکفیری در خاک این کشور از دیگر عواملی است که اهمیت صلح و ثبات در افغانستان برای امنیت ملی ایران را نشان می‌دهد [۲]. اهمیت ژئوپلتیک افغانستان در آسیا



سبب می‌شود معماری دولت آتی افغانستان و چگونگی ترسیم آینده سیاسی این کشور به طور مستقیم بر امنیت مرزهای شرقی ایران، چگونگی مواجهه ایران با آمریکا، رابطه ایران با روسیه، چین، هند و پاکستان و نهایتاً نوع و شدت تعامل یا تقابل با دولت‌های مسلمان به خصوص سعودی مؤثر باشد [۳]. شرایط سیاسی فعلی افغانستان از جمله تشدید اختلافات داخلی منتج از انتخابات ریاست‌جمهوری و عدم پذیرش نتیجه انتخابات از سوی عبدالله عبدالله، احتمال گسترش ناامنی و بی‌ثباتی در حوزه تسلط دولت مرکزی به ویژه فعالیت گروه‌های تروریستی مانند داعش در مناطق شمالی و غربی افغانستان را نیز افزایش می‌دهد [۴]. بنابراین ایران نه فقط از منظر آینده بلندمدت بلکه با توجه به شرایط حساس کنونی در افغانستان نیز انگیزه‌های قوی برای ورود به فاز مذاکره گروه‌های افغانستانی دارد.

## ظرفیت‌های نقش آفرینی ایران

مهم‌ترین ویژگی توافق‌نامه آمریکا و طالبان در ۱۰ اسفند ۱۳۹۸، ابهام‌افزایی است. از ابهام نسبت به پیامدها تا ابهام در امکان‌سنجی اجرای آن و هم‌چنین ابهام فراوان در خصوص نقشه راه سیاسی دولت آتی و فرآیند اجماعی که در این توافق از آن سخن رفته است. به همین دلیل بسیاری از دولت‌ها و گروه‌های سیاسی یا شبه‌نظامی نیز نسبت به چگونگی اجرای آن تردید دارند و مواضع‌شان با منافع‌شان در این توافق کاملاً مطابق نیست. برای مثال دولت افغانستان که از ابتدا نقشی در شکل‌گیری این توافق نداشته و اجازه ورود به هیئت‌های مذاکره‌کننده را نیافته به طور تلویحی از آن استقبال کرده است [۵] و هیئت مذاکره‌کننده دولت نیز تشکیل شده است [۶]. در مورد دیگر گروه القاعده که طبق این توافق، طالبان می‌بایست مانع فعالیت آن‌ها در افغانستان



علیه نیروهای آمریکایی شود، ضمن تبریک به طالبان، دیگر گروه‌ها و اقلشار مردمی افغانستان را به پیروی از طالبان در راستای دست‌یابی به حکومت اسلامی فراخوانده است [۷].

به همین دلیل تحلیل دقیق‌تر متن توافق می‌تواند روزه‌های احتمالی نقش آفرینی ایران در آینده سیاسی افغانستان را نشان می‌دهد. این توافق دست‌یابی به ۴ هدف را در دستور کار قرار داده است:

۱- سازوکار جلوگیری طالبان از حمله به نیروهای آمریکایی یا متحدان‌شان از خاک افغانستان

۲- جدول زمان‌بندی خروج کامل نیروهای خارجی از خاک افغانستان

۳- آغاز مذاکرات بین‌الافغانی از ۲۰ اسفند ۱۳۹۸

۴- سازوکار آتش‌بس دائمی و جامع و توافق درباره نقشه راه سیاسی آینده افغانستان

باقی متن توافق، در سه بخش به سازوکارهای دو هدف اول اشاره دارد. بخش اول جدول زمان‌بندی و چگونگی خروج نیروهای بیگانه از افغانستان در دو مرحله و رفع تحریم‌های سیاسی اقتصادی آمریکا علیه طالبان و حذف طالبان از لیست گروه‌های تروریستی شورای امنیت، بخش دوم به تضمین طالبان نسبت به عدم تهدید امنیت آمریکا و متحدانش از خاک افغانستان و بخش سوم تأیید حُسن روابط آمریکا و طالبان در دولت آتی و هم‌چنین تأیید این توافق‌نامه در شورای امنیت. چنانچه مشهود است نه تنها متن توافق نسبت به سازوکارها و ضمانت‌های اجرایی اهداف سوم و چهارم سکوت کرده، بلکه حتی در خطوط پایانی توافق، از دولت آتی افغانستان





تحت عنوان «حکومت اسلامی» یاد شده و حتی فرم و ساختار شکلی کنونی «جمهوری اسلامی افغانستان» به رسمیت شناخته نشده است [۸]. بنابراین ایران از این فرصت برخوردار است که با ظرفیت‌های مبتنی بر قدرت سخت و نرم که در اختیار دارد و با توجه به سابقه حضور و نفوذ در افغانستان، در راستای امنیت ملی ایران به نقش‌آفرینی در مذاکرات صلح بپردازد. این ظرفیت‌ها را می‌توان چنین برشمرد:

سابقه استکبارستیزی جمهوری اسلامی جهت ارتباط با طالبان: ایران رسماً اعلام کرد که توافق صلح پایدار در افغانستان تنها از طریق گفتگوی بین‌الافغانی با مشارکت گروه‌های سیاسی آن کشور از جمله طالبان و با در نظر گرفتن ملاحظات کشورهای همسایه افغانستان بدست خواهد آمد [۹]. ایران ضمن پذیرش لزوم حضور مشروع طالبان در دولت افغانستان، پیش از این نیز با اطلاع و استقبال دولت افغانستان، مذاکراتی را با این گروه در راستای جلب نظرشان به مذاکره با دولت افغانستان انجام داده بود [۱۰]. ایران به عنوان محور جبهه مقاومت در مقابل استکبار آمریکا و صهیونیسم منطقه‌ای، مزیت نسبی بیشتری نسبت به دیگر دولت‌های اسلامی در ارتباط با سبقه آمریکاستیزانه طالبان دارد و این می‌تواند به عنوان یک مؤلفه مشترک به نزدیکی دیدگاه‌های ایران و طالبان نسبت به راهبردهای آتی دولت افغانستان و چگونگی شکل‌گیری آن کمک نماید.

روابط دیرینه با مجاهدین افغان: با تهاجم شوروی به افغانستان، دولت نوپای انقلابی ایران تصمیم به کمک به گروه‌های مبارز افغانستانی در برابر این تجاوز گرفت. گروه‌هایی که بعدها مجاهدین نام گرفتند و ایران از جمله متحدان کلیدی آنان در مبارزه با شوروی بود. شهید احمدشاه مسعود از جمله مهم‌ترین متحدان مجاهد ایران در افغانستان بود. در شرایط کنونی با بهره‌گیری از ظرفیت روابط دیرینه ایران با افغانستانی‌ها، می‌توان از این ظرفیت برای ترغیب نیروهای سیاسی نظامی به مذاکره و هشدار به آنان مبنی بر تبعات ناگوار شروع مجدد جنگ داخلی و



واکنش جدی ایران به این مسأله، به طور مناسبی بهره‌برداري کرد.

سابقه دستگاه دیپلماسی در روند دولت‌سازی؛ پس از خروج شوروی از افغانستان، اختلافات فرقه‌ای در این کشور بر سر سهم‌خواهی از قدرت شدت گرفت. گروه‌های اهل سنت یک ائتلاف هفت‌گانه در پيشاور پاکستان شکل دادند و در مقابل گروه‌های شیعی نیز ائتلاف هشت‌گانه‌ای با حمایت تهران تأسیس کردند. وزارت امور خارجه با برگزاری نشست‌های فیما بین تلاش نمود دیدگاه‌های آن‌ها را به یکدیگر نزدیک و به تشکیل دولت واحد کمک نماید که در نهایت به حکومت چهارساله برهان‌الدین ربانی منجر شد. گرچه این روند با زیاده‌خواهی طالبان نقض گردید ولی نشان‌گر توانمندی دیپلماسی ایران برای میانجی‌گری و گفتگوی مؤثر میان گروه‌های سیاسی و مذهبی افغانستان است [۱۱]. بنابراین روابط مطلوب جمهوری اسلامی با گروه‌ها و طوایف گوناگون افغانستان به خصوص شیعیان، اهرم مناسبی برای جلوگیری از تضييع حقوق آنان و ترسیم مدلی نسبتاً فراگیر از ساخت قدرت است که عمده پیروان مذاهب و اقوام را در بر بگیرد.

الگوی تطبیق تدریجی سنت و مدرنیته در جمهوری اسلامی؛ بومی‌سازی بسیاری از مظاهر مدرنیته و توفیق‌های جامعه ایران به ویژه نسل جوان در عرصه‌های علمی، هنری و ورزشی الگوی مناسبی است که ضمن ترغیب نخبگان اجتماعی افغانستان به فراگیری این تجربیات از ایران، می‌تواند همدلی اقشار و طوایف سنتی این کشور را نیز برانگیزاند و اطمینان خاطر آن‌ها را نسبت به حفظ ارزش‌های سنتی و آیینی در عین پیشرفت‌های صنعتی و یادگیری علوم مدرن را جلب نماید [۱۲].

نوع رابطه دولت با اقلیت‌های مذهبی در ایران؛ از آن‌جا که اکثریت قریب به اتفاق مردم افغانستان مسلمان هستند، نوع حکومت آتی این دولت، یک حکومت دین محور خواهد



بود. بنابراین نوع رابطه دولت با فرقه‌های مذهبی اعم از شیعه و اهل سنت، مسأله‌ای محوری در قانون اساسی احتمالی یا حداقل قواعد و مقررات جاری دولت آتی افغانستان است. ایران نیز که اکثریتی شیعه‌مذهب و اقلیت اهل سنت با فرقه‌های گوناگون دارد، می‌تواند قوانین و مقرراتی نسبتاً هم‌سو و نزدیک به شرایط افغانستان برای بررسی در مذاکره گروه‌های افغانستانی پیشنهاد دهد که ضمن تأمین صلح و ثبات در این کشور، بر تقویت صلح در استان‌های شرقی ایران به ویژه سیستان و بلوچستان نیز تأثیر مثبتی داشته باشد.

ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی ایران به ویژه دسترسی به آب‌های آزاد: هر چند رابطه ایران و افغانستان، مزیت‌های اقتصادی متعددی برای هر دو کشور دارد. با این حال به جهت محاصره افغانستان در خشکی، دسترسی به آب‌های آزاد خلیج فارس به ویژه از طریق بندر چابهار، اهرم ژئواکونومیک بسیار مهمی برای نقش‌آفرینی ایران در مذاکره گروه‌های افغانستانی است.

## جمع‌بندی

در خصوص چگونگی آغاز مذاکره، دو حالت محتمل‌تر است. یکی این که طالبان با دولت افغانستان مستقیماً وارد گفتگو شود و دولت نمایندگی همگی دیگر نیروهای غیرطالبان را بر عهده داشته باشد. وضعیتی که چندان مطلوب طالبان که هرگز دولت را به رسمیت نشناخته، نیست. حالت دیگر آن است که یک گفتگوی چندجانبه میان طالبان و دیگر گروه‌های سیاسی، مذهبی و شبه‌نظامی صورت بگیرد که احتمالاً طالبان به جهت موقعیت برتر نظامی، برتری موازنه قدرت را به دست بگیرد [۱۳]. ایران می‌تواند پیشنهاد نماید که تمامی گروه‌های افغانستانی نمایندگانی در هیأت مذاکره‌کننده داشته باشند و دولت نه به عنوان طرفی در مذاکره بلکه به عنوان ناظر حُسن



اجرای توافق نامه به تأیید و تصویب نتایج مذاکره بپردازد. این نکته به ویژه در شرایط کنونی که اجماع سیاسی بر دولت کنونی وجود ندارد می تواند پیش برنده مذاکرات باشد. هر چند اقناع طالبان به نقش نظارت کننده دولت بر حضور این گروه در روند مذاکره نیز تا حدی دشوار است. ولی مزیت مهم این حالت، حفظ نسبی ساختارهای شکل گرفته پسااشغال است. پیشنهاد دیگر ایران می تواند حفظ اصول و کلیات فرم قانون اساسی مبنی بر مردم سالاری دینی باشد و مذاکره در جزئیات و قواعد و حتی شکل اساسی آن اعم از ریاستی یا پارلمانی باشد. بدین ترتیب از انحلال کامل ساخت مردم سالار قدرت در دولت آتی افغانستان جلوگیری شود. در مجموع ضمن اینکه ورود جزیی و مصداقی ایران به گفتگوهای بین الافغانی نه ضرورت داشته و نه مبتنی بر رویکرد کلان سیاست خارجی جمهوری اسلامی است، راهبرد اساسی ایران در مذاکرات صلح افغانستان می بایست لغو «بازی با حاصل جمع صفر» باشد. بدین ترتیب که در نقشه سیاسی دولت آتی افغانستان، سهم متناسب طوایف؛ مذاهب و گروه های سیاسی اجتماعی گوناگون در ساختار قدرت رعایت شده و پیش شرط مهم این راهبرد، انحصار قوه قهریه در ید دولت و خلع سلاح گروه های شبه نظامی از هر فرقه می باشد.

## منابع

- [۱] فرهاد پایدار، استراتژی آمریکا در افغانستان و تاثیر آن بر امنیت ملی ایران، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، شماره ۲۰، زمستان ۱۳۹۱
- [۲] سعید جمال، مهم‌ترین منابع تنش‌زای سیاسی امنیتی در روابط ایران و افغانستان، همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت، دانشگاه سیستان و بلوچستان، فروردین ۱۳۹۱
- [۳] زهرا محمودی، پیامدهای توافق‌نامه آمریکا و طالبان، اندیشکده راهبردی تبیین، ۲۵ اسفند ۱۳۹۸، قابل بازیابی در:  
<http://tabyincenter.ir/36156>
- [۴] عبدالمحمد طاهری، ایران باید نقش جدی‌تری در صلح افغانستان ایفا کند، دیپلماسی ایرانی، ۲۹ بهمن ۱۳۹۸، قابل بازیابی در:  
<http://irdiplomacy.ir/fa/news/1989655>
- [۵] شاه‌حسین مرتضوی (مشاور فرهنگی اشرف‌غنی)، صلح بازی برنده‌هاست، ۱۱ اسفند ۱۳۹۸، قابل بازیابی در:  
<https://www.bbc.com/persian/blog-viewpoints-51691945>
- [۶] سلام رحیمی (وزیر صلح دولت افغانستان)، دولت افغانستان در گفتگو با طالبان به دنبال چیست؟، ۲۵ اسفند ۱۳۹۸، قابل بازیابی در:  
<https://www.bbc.com/persian/afghanistan-51899318>
- [۷] بیانیه القاعده در خصوص توافق‌نامه طالبان و آمریکا، ۲۲ اسفند ۱۳۹۸، قابل بازیابی در:  
<https://t.me/MMOSINT/8325?single>
- [۸] متن کامل توافق‌نامه آمریکا و طالبان، ۱۰ اسفند ۱۳۹۸، قابل بازیابی در:  
<https://www.state.gov/wp-content/uploads/2020/02>
- [۹] بیانیه وزارت امور خارجه ایران درباره توافق‌نامه آمریکا با طالبان، ۱۱ اسفند ۱۳۹۸، قابل بازیابی در:  
<https://mfa.ir/portal/newsview/576899>
- [۱۰] دولت افغانستان: ایران برای صلح دولت با طالبان از طریق مذاکرات



بین‌الافغانی تلاش می‌کند، ۱۲ دی ۱۳۹۷، قابل‌بازیابی در:

<https://tn.ai/1913383/>

[۱۱] عمران یوسفی، فرصت‌ها و تهدیدهای روند ملت‌سازی در افغانستان برای ایران، فصلنامه

مطالعات روابط بین‌الملل، شماره ۱۳، زمستان ۱۳۸۹

[۱۲] علی‌اصغر داودی، دیپلماسی علم و فناوری ایران و افغانستان، فصلنامه پژوهش‌های

راهبردی سیاست، شماره ۴۱، زمستان ۱۳۹۳

[۱۳] محمدقاسم عرفانی، دو سناریوی احتمالی مذاکرات بین‌الافغانی، ۱۱ اسفند ۱۳۹۸، قابل

بازیابی در:

<https://www.bbc.com/persian/blog-viewpoints-51697972>





# اندرشکده بزرگترین



نشانی ما در شبکه های اجتماعی:

**@Tabyincenter**



[www.tabyincenter.ir](http://www.tabyincenter.ir)